

سخن سردبیر

دی ماه ۱۴۰۰، به مناسبت بیست و هشتمین سالگرد تأسیس مرکز پژوهشی میراث مکتوب، سلسله سخنرانی‌هایی در فضای مجازی برگزار شد که در آن شماری از کارشناسان نسخ خطی، دلسوزان میراث مکتوب ایران و علاقه‌مندان به حوزه نسخه‌شناسی و تحقیق متون شرکت کردند و هر یک به فراخور سلیق و نقطه‌نظرات خود، حرف‌هایی زدند و پیشنهادهایی کردند. شمه‌ای از نظرات و پیشنهادهای اجمالاً این‌ها بود:

* تمامی نسخ خطی لایق احیاء و نشر نیستند و لذا باید آنها را الایم فالایم کرد و ارزشمندها را برگزید.

* از نسخه‌های معتبر و اصیل هر چه زودتر نسخه‌برگردان (فاکسیمیله) تهیه شود تا نوبت به تصحیح و آماده‌سازی آنها برای چاپ برسد.

* ارزش نسخه‌برگردان‌ها به خطی بودن آنهاست؛ نباید آنها را تصحیح و ویرایش کرد و بنا به اولویت‌ها و برداشت‌های شخصی، حک و اصلاح‌های قیاسی در آنها کرد و، احتمالاً، آنها را دستخوش غلط‌خوانی و تحریف نمود.

* به منظور تقویت و افزایش نیروی کار برای سرعت بخشیدن به امر تصحیح متون، باید از دانشگاه‌ها و فرهنگستان‌ها استمداد کرد.

* لازم است که شبکه یا گروه‌هایی برای باری رساندن به نسخه‌پژوهان آموزش داده شوند. برای این منظور، استفاده از دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری توصیه می‌شود. بدین منظور، بایسته است که مرکز میراث مکتوب فراخوان بدهد و دانشجویان علاقه‌مند به این همکاری را جذب کند.

* مراکزی مانند مرکز میراث مکتوب فقط به نسخ کهن بسنده نکنند و به ویرایش و چاپ آثار جدیدتر هم توجه کنند؛ مثلاً، تحقیقات جدیدی که در زمینه تواریخ محلی شده است در برنامه کار قرار گیرد.

* مرکز میراث مکتوب به حمایت از نسخه پژوهان بشتابد و نسخه‌های مورد نیاز آنها را به موقع تهیه و در اختیارشان بگذارد تا این که پژوهشگر مجبور نشود برای دستیابی به فلان نسخه وقتی بگذارد و به کتابخانه‌ای مراجعه کند.

اگرچه در خلال این توصیه‌ها عموماً از «باید و نباید» سخن رفته و نه از «کرده‌ام» و «می‌کنم»، وجه مشترک همه آنها دغدغه نجات نسخ خطی از خطر نابودی و فراموشی است: دغدغه‌ای برحق که مقتضی اقدامی جدی، گسترده و فراگیر است. اگر واقعاً بپذیریم که این میراث مکتوب شایسته نگه‌داری و صیانت است، تعلل در این کار می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بخشی از سرمایه‌های ملی ما بزند. مع‌ذلک، از مجموع آنچه در این سلسله گفتارهای کوتاه و در جاهای دیگر به‌طور پراکنده ابراز می‌شود، دو چیز هنوز روشن و قطعی به نظر نمی‌رسد: یکی شمار دقیق مجموع نسخ خطی، به تفکیک محل نگه‌داری آنها (کتابخانه‌های دولتی، دانشگاهی، خصوصی و غیره؛ و داخل یا خارج کشور)؛ و دودیکر برآورد ارزش هر نسخه خطی. گرچه غالباً سخن از میلیون‌ها نسخه خطی می‌رود، اما ظاهراً ارقامی این‌چنینی، بر و بنیادی آماری ندارد، و بیشتر از مقوله‌ی مبالغه‌های احساسی به‌منظور حادّ نشان‌دادن خطر تباه‌شدن تدریجی میراث مکتوب ایران است. هنوز رقم دقیقی از این میراث به دست داده نشده است تا دانسته شود که حجم و گستره کار برای تنقیح و تصحیح آنها به چه مقدار زمان و نیرو نیاز دارد. تا ابعاد و وجه کمی نسخ مشخص نشود، برنامه‌ریزی نتیجه‌بخش در جهت تأمین نیرو و بودجه کافی برای شروع کار ممکن نخواهد بود. وقتی تعدادِ لااقل تقریبی نسخ معلوم نباشد، تعیین ارزش نسبی آنها به طریق اولی ناممکن است. از طرف دیگر، تا زمانی که هر نسخه لااقل یک بار خوانده نشود، چگونه می‌توان وزن و ارزش علمی آن را معین کرد؟ نسخ نخوانده ارزش یکسان خواهند داشت تا زمانی که خوانده، و جهات ضعف و قوت هر یک روشن شود؛ از روی حدس و گمان نمی‌توان و نباید نسخه‌ای را با ارزش‌تر از نسخه دیگری تصور کرد. بنابراین، نه هیچ

نسخه‌ای را می‌توان از شمارش جامع میراث مکتوب استثنا کرد و نه هیچ نسخه‌ای را می‌توان بدون خواندن باارزش یا بی‌ارزش خواند. راه میان‌بری در کار نیست. به‌علاوه، کدام نسخه است که ارزش یک بار خواندن را نداشته باشد. پس، می‌بینیم که کاری عظیم پیش روی اهل تحقیق قرار دارد. شمار نسخ اگر نه چند میلیون بلکه صدهزار هم که باشد، باز احیای آنها مستلزم زمان و نیروی انسانی قابل‌ملاحظه‌ای است، بسی بیش از آنچه امروز در اختیار داریم.

با این همه، تعیین تقریبی (نه حدسی) نسخ خطی از این نظر حائز اهمیت است که می‌تواند لزوم تصحیح و طبع مجدد آنچه را که تا کنون یکی دو بار ویرایش و چاپ شده است تأیید کند یا نکند. توضیح آن‌که شماری از اهالی تحقیق اصرار دارند که با عنوان «ضرورت تصحیح و طبع مجدد»، در کارهای انجام‌گرفته دخل و تصرفی نکنند و مقداری تصحیحات قیاسی و کاست و افزودهای حدسی و گاه من‌عندی تازه اعمال، و به نام ویرایشی جدید عرضه کنند. با این کار، در واقع، وقت گران‌بهایی را که می‌توانند (و لازم‌تر است) صرف احیاء انبوه نسخ دست‌نخورده کنند، به پای کارهایی می‌ریزند که فعلاً در اولویت نیست و می‌توان آنها را به زمانی دیگر موکول کرد. لیکن، چنانچه ثابت شود که شمار نسخه‌های خطی دست‌نخورده آن مقادیرها هم نیست که عموماً ادعا می‌شود، لااقل محملی برای دوباره و سه‌باره‌کاری‌ها به دست خواهد آمد. به نظر می‌رسد که تا رسیدن به چنان محملی زمان زیادی مانده است. بنابراین، مصلحت در آن است که وقت و نیروی جماعت محقق صرف نسخه‌های ناخوانده و ناشناخته بشود.

م.ک.